



آن سوی خنده

تاملی در مقوله زیباشناختی طنز (کمیک)

دکتر حکمت‌الله ملاصالحی

بسیاری از ما کم‌یابیش با مفاهیمی چون طنز، طنز آمیز، مزاح، مطایبه، مناکحه، مضحکه، مزاح، هزل، هجو، فکاهی، لطیفه، پندله‌گویی، شوخ‌منشی، ریشخند، کاریکانوره، کمدی، کمیک یا اصطلاحات و مفاهیم فراوان دیگری از این دست آشنا هستیم. این اصطلاحات و مفاهیم ذوقی و زیباشناختی به نوع خاصی از تجربه و رابطه ما با رویدادها، واقعه‌ها یا بطور کلی «چیزها» اطلاق شده و دلالتی کنند که سرشتی عین‌الفلسفی و عاطفی داشته و طیف گسترده‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های ذوقی و هنری و زیباشناختی و حالات روحی و رفتارهای ما را در موقعیت‌های خاص در خود گرفته و بیان کرده و باز نموده‌اند.

طیف دیگری از اصطلاحات و مفاهیم را می‌شناسیم که آنها نیز ماهیتی فلسفی داشته و اگر تبار او عولطف انسانی، حالات روحی، کنش‌های ذهنی و ذوقی و تجربیات عمیق بشری ما را رویندازد و وقیعت‌ها هستند. مفاهیمی چون تزلزل، تزلزل‌گرایی، درام، دراماتیک، تمیز، مرثیه، سوگواره، سوگناکه، تالیانگیز و غمناک همه دلالت بر، بیخ دیگری از تجربیات و کنش‌ها و واکنش‌های بشری ما را «چیزها» می‌کنند.

هم مقوله زیباشناختی کمیک (The Aesthetic Category of Comic) هم مقوله زیباشناختی تراژیک (The Aesthetic Category of Tragic) بهرغم تقابلی که میانشان احساس می‌شود، چه در پارای موارد با یکدیگر نیز تلاقی کرده‌اند. هر دو مقوله به دلیل ماهیت بشری شدن دلالت بر تجربه مشترک بشری ما نیز از این منظر دارند. مشترک

بهرقرار کند البته در تجربه‌های عرفانی و اشراقی و روحانی و معنوی بخته و پرورده‌تر، هستی و جهان آفرینش من حیث هستی و آفرینش، زنده و هوشمند پذیرفته و زیسته و تجربه می‌شود. انسان عارف با روح هستی مانوس بوده و رابطه‌اش با آفرینش، همدلانه، محرمانه، صمیمانه و عاشقانه است. جان او با جان هستی یگانه و زبان او با زبان آفرینش همنواست به تعبیر مولانا:

تعلق لب و نطق خاک و نطق گل
هست محسوس حوسنی اهل دل^۱

تقدیر تحلیل، شناخته دآوری و فهم نظری ماهیت مقوله زیباشناختی طنز یا کمیک به دلیل آنکه تنها در عالم بشری ما تجربه شده و اتفاق افتاده و قرینه آن را در بیرون نمی‌یابیم. در قبلی یاد دیگر مقوله‌ها که قرینه‌های بیرونی فراوان دارند هم برای فیلسوفان هنر و ذوق و زیباشناختی هم برای عالمی رشته‌هایی که تمایل خلت‌ناشد سرشت هستی و چپستی خنده و ماهیت اقبساط روحی و شغف و شادمانی، را که آثار کمیک و طنز آمیز در روان و رفتار و وجدان ما برمی‌انگیزد و به وجود می‌آورد دانه توضیح دهند دشواری‌های فراوانی را در پی داشته‌اند. از اشارات افلاطون گرفته و مباحث تفصیلی تراسطو در کتاب شعرش تا نقد و تحلیل‌ها و مطالعات و مشاهدات تجربی سراسر جهان دوره جدید مسئله هستی و چپستی خنده و لبخند از یک سو و تجربه و تأثیرات آثار کمیک و طنز آمیز و ماهیت مقوله زیباشناختی کمیک همچنان از جمله موضوعات سوال‌خیز، مناقشه‌آکنک و بحث‌انگیز به قوت خود باقی است.

واقعت این است که مقوله کمیک و طنز یک پدیده چندوجهی، پیچیده، توی تو و هر کب است.^۲ بیرون، به‌طور کلی هر توضیحی را برده خنده، ناپسند و احساس خنده را به لحاظ نظری یک مسئله حل‌ناشدنی می‌پندارد.^۳ اما نیست که نقد و تحلیل‌ها و دآوری‌های فیلسوفان دوره جدید از کانت و شوپنهاور و بودلر و برگسون و نیچه گرفته تا لائو، نیوس و پاپانوئوس و دیگران درباره ماهیت خنده و مقوله زیباشناختی طنز بسیار متفاوت و ضد و نقیض بوده است. از طرفی تلاقی و تداخل مقوله‌های زیباشناختی و همچنین خلقت سیال هر کب و پیچیده و متنوع و متناوب و چندگون تجربه‌های زیباشناختی ما از چیزهای گوناگونی است که نمی‌توان خط‌کش بر کف گرفت و آنها را کاملاً از هم تفکیک کرد و می‌توان حس را گشتید. بهرغم همه در اینجا به پارای از ویژگی‌های مقوله زیباشناختی طنز و کمیک به اجمال، کوتاه و فهرست‌وار اشاره می‌کنیم.

الف) اصل تقابل: به هر میزان که مقوله زیباشناختی جسمال و صور جمالی را در اعتدال، توازن، تناسب، تقارن و نظم هندسی (tectonic order) اجرا زیسته و تجربه کردیم، مقوله زیباشناختی جلال را در تقابل نیروها و ترکیب پیکروار (Organic composition) یا وحدت ارگانیک اجرا شاهد بوده و بافتتایم. همین طور چنین تقابلی را در مقوله زیباشناختی و آثار تراژیک احساس کرده و شاهد بودیم. در مقوله زیباشناختی کمیک و آثار طنز آمیز نیز نوع خاصی از تقابل را می‌توان ردیابی کرد. در مقوله زیباشناختی جلال و صور جلالی تقابل میان امر حقیر و کهنش و ضعیف و محسود یا قدرت و بی‌قدرتی و امر نامحدود و سرانجام‌ناپذیر گشتن امر حقیر و ضعیف به پلم قدرت و فضای بی‌کرانه و امر نامحدود نوعی احساس شوک و عظمت آفرینش و امنیت خاطر سرشار از وقار و متانت در ما برانگیزد. می‌شود که بر احساس ترس و تشویش

در مشاهده و مواجهه نخستین فائق می‌آید به دیگر سخن، جذب فرجامین، جای دفع آغازین را گرفته و در شکوه اجلاالی مستغرق می‌شویم. در مقوله زیباشناختی تراژیک نیز چنین تقابلی را در کشمکش و تنش میان نیروهایی که بر صحنه ظاهر می‌شوند احساس کرده و زیسته‌ایم. در اینجا نیز مشاهده تقابل نیروها نهایتاً به نوعی بالایش درون‌یاب به تعبیر ارسطویی، «کاتارسیس» می‌انجامد و جای تأثیرات سنگین نخستین را می‌گیرد. در مقوله زیباشناختی طنز و آثار کمیک نیز با نوع دیگری از اصل تقابل به طریق دیگر رویاروی می‌شویم. تقابل میان امر حقیر و ضعیف و کوچک و فوق‌العاده محدود یا امر نیرومندی که گویی هیچ کدام در جایگاه واقعی خود نیستند و دوست داریم یکی بپذیر کشنده بشود دیگری دور از انتظار و به طرز پزادوکس برگردد و چنین نیز می‌شود. ادبیات ما و جهان، گرفتار چنین تقابلهای طنز آمیز و پارادوکسال است. موش و گربه عبید زانسی، تقابل میان شاه و ناخک و دلقک زیرک در سار، آثار مقدس‌کار و بازی‌های مسحور کننده چارلی چاپلین در دوره جدید و موارد مشابه بسیار دیگر از نمونه‌های بارز اصل تقابل در مقوله زیباشناختی طنز است.

ب) اصول نظریه‌شناسی فروریختن ناگهانی و پارادوکسال نظریه‌البنه نظمی که فروریختن آن مایه تشویش نشده و زبان او لبخند نیز از جمله مواردی است که در مقوله زیباشناختی چنین توضیح می‌دهد. فکاهی و لطیفه هر دو نمایانگر شکست‌شستن حریم نظم‌یافته پدسی نمایانگر وضعیت غیر ممکن، معنایی دو پهلو و حاشی تقاض آمیز.^۴

ج) اصل تلاقی پارادوکسیکال عناصر متضاد و متناقض: تلاقی، تداخل، اجماع خلاف آمد عناصر متناقض و نیروهای متضاد که عقلا نفع‌پذیر و منطقاً باطل است. در مقوله زیباشناختی طنز و آثار کمیک به اوج خود می‌رسند و همین حضور عناصر متضاد و متناقض از غلاظت و منطق و هندسه و نظم متعارف، چیرگی ذوق و سروری خیال زایر گرمی خرد عرف می‌شکند.

د) احساس امنیت خاطر و نبود ترس: تقابل‌ها نظریه‌شناسی‌ها و تلاقی پارادوکسال نیروهای متضاد و متناقض در عرصه مقوله زیباشناختی طنز و آثار کمیک تجربه لحظه یا لحظاتی را بر ما برمی‌انگیزد که تنش جای خود را به آرامش، تشویش به امنیت خاطر و سنگینی به سیکسری داده و نوع خاصی از فراموشی را که در آن در نهایت به نوع دیگری از بهاری نیز می‌تواند بینجامد یا خود به‌هم برده.

خلاصه سخن آنکه مقوله زیباشناختی طنز و آثار کمیک و طیف گسترده صور آن و مسامت و خوب‌بشوندیش با خند و همچنین یادگار مقوله‌ها از جمله مباحث سنگین و موضوعات مناقشه‌انگیز و سوال‌خیز در میان متفکران روزگار ما بوده‌اند. آنچه در نوشتار حاضر بطریق بسیار فشرده و کوتاه گفته شده، چندان حلقه کوچکی است از سلسله بی‌پایان مسئله‌ها و موضوعات و بحث‌ها و مناقشه‌ها و صف‌ها و تعریف‌ها و نظرها و منظرها و تفسیرها و تقریرهای پیشنهاد شده و ارائه شده در باره هستی و چپستی طنز و آثار کمیک.

۱- قرآن مجید، سوره مکه، آیات ۹۱-۹۲
۲- منتوی معنوی، نیکنس، تهران، طبع اولی، چاپ دوم، ۱۳۶۴، جلد اول، ص ۲۰۲، ۲۲۶
۳- Papanauou, E. (1997) Aesthetic, ۳۲
۴- Atibaie (Ikaros) P: ۲۹۲
Ibid, ۱۹۲-۴
۵- دیرکس، فلسف انسان‌شناسی فلسفی، ترجمه معصوم سلیمانی، تهران انتشارات هرمس، ۱۳۸۰، ص ۳۵

